

پرواز هواپیماهای نظامی ناتو بر فراز لیبی چه چیزی را تعقیب میکنند؟

سرانجام بامصوبه شورای امنیت سازمان ملل در ۱۷ مارس ۲۰۱۱ مجوز قانونی برای دخالت نظامی در لیبی آغاز شد، ظاهر قضیه البته دفاع از جان مردم بی‌دفاع لیبی در مقابل حملات نظامی قذافی اعلام شد و از این طریق قرار بود اهداف واقعی از انظار عمومی پنهان بماند. مثل روز روشن است که برغم هیاهوی تبلیغاتی و ظاهر "مداخله انساندوستانه" انگیزه واقعی برکناری دیکتاتوری معمر قذافی یار غار دیرینه شان و تعویض آن با رژیم می است که از تیر رس اعتراضات توده ای دورتر و برای حفظ سیستم سرمایه مناسب تر و در تقسیم مجدد منابع زیر سیطره نیروی معین پیروز در جنگ قرار گیرد.

خیزش انقلابی توده های کارگر و زحمتکش تونس و مصر بعلت تشابهات فرهنگی - تاریخی و نیز سیطره حاکمیت سرمایه و نئولیبرالیسم هار در لیبی تاثیرات خود را بر مردم لیبی هم بجا گذاشت، بطوریکه نسیم اعتراضات انقلابی که از دسامبر سال ۲۰۱۰ در تونس وزیدن گرفته بود، ابتدا به مصر، یمن، سوریه و بحرین و سرانجام به لیبی هم رسید و انبوهی از توده های رنج و زحمت را به خیابانها کشاند. اگر چه شرایط لیبی با تونس و مصر... متفاوت است ولی به رغم تفاوت بافت اجتماعی و ساختار سیاسی حکومت استبدادی، حاکمیت سرمایه در لیبی هم جاری است و مناسبات طبقاتی درون این کشور را تحت تاثیر قرار داده است. البته خیزشهای اعتراضی در لیبی بدون زمینه قبلی نبوده است. در سال ۲۰۰۳ تضییقات فراوان اقتصادی در نتیجه هم سویی با برنامه اقتصادی برای ادغام در بازار جهانی تحت هدایت بانک جهانی منجر به شورش خونینی گردید. روند سیاستهای نئولیبرالیستی در تداوم خود به خصوصی سازی هر چه بیشتر صنایع، گسترش فقر و تنگدستی، کاهش و قطع تدریجی سوبسیدها و ازدیاد رقم بیکاریها تا مرز ۲۰ درصد شد. اینهمه با سیطره فساد مالی و استبداد مطلق فردی و حزبی قذافی در تمام عرصه های حاکمیت سیاسی جامعه همراه بود و زمینه های اجتماعی خیزشهای اخیر را فراهم کرد. بر بستر چنین اوضاعی است که سران ناتو به یاد مردم لیبی میافتند.

غرش هواپیماهای نیروهای ائتلاف بر فراز لیبی مضمونی "انساندوستانه" ندارد. اورانیوم رقیق شده برای مردم لیبی پیامی بهتر از پیام امریکا برای عراق نخواهد داشت. تجربه عراق نشان داده است که کشتار کنونی هم کمتر از کشتار قذافی نخواهد بود. این اقدامات نه "مداخله انسان دوستانه" بلکه رویای خونین تقسیم مجدد جهان است که به پرواز در آمده است. بحران سرمایه داری جهانی مجراهای تعدیل خود را میجوید. توازن قوا بین نیروهای سرمایه در حال دگرگونی است. محل تعارض این تحولات در آسمان لیبی خود را به عینیه نشان میدهد. واقعیت این است که کشور لیبی روزانه چیزی در حدود یک میلیون و ششصد هزار بشکه نفت وارد بازار جهانی میکند و جزء هفتمین کشور صادر کننده عضو اوپک است. عدم انتقال نفت لیبی به بازار جهانی میتواند دنیای سرمایه را با یک بحران انرژی مواجه سازد، خود این مساله همراه با بحران مالی، و اقتصادی کشورهای سرمایه داری بنوبه خود، آسیبهای جبران ناپذیری به اقتصاد جهان سرمایه داری وارد میکند. از سوی دیگر حضور نظامی ناتو در لیبی محل بروز تقابل منافع و جنگ بر سر هژمونی در صف سرمایه قرار گرفته است. همزمان این سوال بر فراز مداخله نظامی میچرخد: وقتی امریکا برای نشستن در مقر سر فرماندهی از بنیه لازم برخوردار نیست چه نیرو یا نیروهایی هژمونی را در دست خواهند گرفت؟ این تناقضات میتواند برای سرمایه جهانی حصول نتیجه را در لیبی دشوار و حتی منتفی کند. اما نتیجه این عملیات هر چه باشد رویای باز تقسیم منابع و بازارهای جهان را از کله سرمایه بیرون نخواهد کرد. مساله این است که آیا مردم جهان این تمایل خونین را زیر لوای "دخالت

انسان دوستانه" هضم خواهند کرد یا در مقابل آن می ایستند. جنگی که در هر دو طرف نیرویی علیه آزادی و رفاه را به نمایش میگذارد. هیچیک پیام آور دنیای بهتر از نظم کنونی نیستند. مقابله علیه این حمله نظامی بالا بردن هزینه چنین اقداماتی از سوی سرمایه جهانیست. باید نشان داد که دفاع از مبارزات مردم برای آزادی و فشار بر دیکتاتورها با چنین حملاتی کاملاً مغایر است.

پیروزی این حملات و تعویض دیکتاتورها توسط سرمایه جهانی اولاً ادامه وضعیت کنونی و برآمد دیکتاتورهای بعدی است و ثانیاً گرایشات ارتجاعی و ناسیونالیسم این کشورها را تقویت میکند. افزون بر این حضور نظامی در منطقه تهدیدی برای کشورهای در حال تحول مثل تونس و مصر و زنگ خطری برای دخالت های نظامی در جنبشهای انقلابی است. برای کسانی که از قذافی دفاع میکنند راه آزادی و رفاه بسته میشود، نه حمله نظامی و نه دیکتاتوری قذافی هیچیک قابل دفاع نیستند. افکار عمومی جهان را باید بر علیه هر دو بسیج نمود. در مقابل باید از انقلاب مردم دفاع کرد. انقلاب کار توده هاست. آنچه در لیبی اتفاق افتاده است اگر چه پیامد خشم مردم لیبی است اما بلافاصله از یکسوتوسط جناحهایی از حکومت تسخیر شده و از دیگر سو، به کام دخالت های نظامی سرمایه جهانی در افتاده است. یقیناً این سلطه همه جانبه، عرصه را بر مردمی بی سازمان تنگ میکند و نقش توده ها را به حاشیه میبرد. چنین اتفاقی فضا را برای نیروهای ارتجاعی تر آمده میکند تا امثال بن لادن گسترش یابند. تنها راه کمک به توده کارگر و زحمتکش لیبی مقابله علیه دخالت نظامی و افشای حکومت قذافی و و نیروهای ارتجاعی در صف معترضین است. نتیجه دخالت نظامی ناتو تا همین الان برای مردم لیبی فاجعه بار بوده است. سالها خواهد گذشت تا از زیر بار این مشقت کمر راست کنند، درست مثل عراق. تمام زیر ساختهای اقتصادی اجتماعی جامعه در هم میریزند و هزاران نفر قربانی جنگ و عواقب آن خواهند شد. جنگ داخلی و درازمدت از احتمالات نزدیک این حمله نظامی و زمینه های مساعد داخلی آن در لیبی است. حتی تعویض قذافی که از اهداف آشکار این عملیات است به معنای رهایی مردم از چنگال دیکتاتور نخواهد بود. درست به همین دلیل که تامین منفعت نیروهای ائتلاف مستلزم هیچ تغییری به نفع آزادی و مردم کارگر و زحمتکش لیبی نخواهد بود. تناقض رفتار امپریالیستی درقبال اعتراضات توده ای و فریبکارانه بودن این ادعاهای « انساندوستانه » دربرخورد با مسئله بحرین یک باردیگر بی هیچ پرده پوشی عیان میشود.

زنده باد مقاومت توده های کارگر و زحمتکش لیبی برای کسب رفاه و آزادی!

نه به دیکتاتوری قذافی، نه به مداخله نظامی!

زنده باد آزادی زنده باد سوسیالیسم!

هسته اقلیت ۸ آوریل ۲۰۱۱ برابر با ۱۹ فروردین ۱۳۹۰

www.hasteh.se